

ورزش دانش‌آموزی، پایه و اساس ورزش یک کشور است

گفت‌وگو با استاد، اکبر ایرانمنش

عباس قشمی میمند



اشاره

گفت‌وگو با اکبر ایرانمنش به‌عنوان قهرمان ورزش کشور و به‌قول خودش معلم مدرسه و دانشگاه، بسیار دلنشین و پر از تجارب و توصیه‌های بی‌نظیر برای دانش‌آموزان و دبیران تربیت‌بدنی است. استاد ایرانمنش متولد ۱۳۱۸ در شهر کرمان، دوره تربیت معلم خود را در سال‌های ۳۹ تا ۴۰ شمسی (دوره یک‌ساله)، دوره کارشناسی تربیت‌بدنی را در سال ۱۳۴۷ و کارشناسی ارشد خود در رشته تربیت‌بدنی و علوم ورزشی را در سال ۱۳۷۶ گذرانده است. بنا به گفته خود در سال‌های دهه ۴۰ یعنی از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۹ در مدارس مختلف تهران از جمله رودکی، منوچهری، فردوسی، بازرگانی، خرد و البرز به‌عنوان دبیر تربیت‌بدنی مشغول آموزش دانش‌آموزان بوده است و در سال ۱۳۴۹ به دلیل علاقه به فعالیت در دانشگاه صنعتی شریف تهران، از آموزش و پرورش استعفا می‌دهد. قهرمانی مسابقات فوتبال و مقام دوم مسابقات دو و میدانی آموزشگاه‌های کرمان در سال ۱۳۳۴، مقام دوم مسابقات دوچرخه‌سواری ۱۲ کیلومتر جاده آموزشگاه‌های کرمان، مقام قهرمانی مسابقات کشتی آموزشگاه‌های کرمان در فاصله سال‌های ۳۵ تا ۳۹ شمسی، مقام قهرمانی مسابقات کشتی آموزشگاه‌های کشور از سال ۳۷ تا ۳۹ و مقام قهرمانی کشتی دانشگاه‌های کشور در سال ۴۷ تنها بخشی از عناوین و افتخارات ورزشی استاد ایرانمنش است. سوابق ورزش حرفه‌ای آقای ایرانمنش نیز افتخارات متعددی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی را شامل می‌شود. در بعد ملی، دامنه گسترده‌ای از فعالیت‌های استاد ایرانمنش از جمله تأسیس دانشکده تربیت‌بدنی دانشگاه شهید باهنر کرمان و ریاست بیست‌ساله بر این دانشکده تا حضور بیش از سه دهه در مسند ریاست انجمن کشتی دانشجویان کشور و

مدیریت باشگاه فرهنگی و ورزشی صنعت مس کرمان قابل ذکر است و در عرصه بین‌المللی نیز استاد ایرانمنش افتخارات متعددی برای کشور به‌دست آورده است. داشتن درجهٔ داوری ممتاز بین‌المللی کشتی از سوی فدراسیون جهانی کشتی FILA، ریاست انجمن کشتی دانشجویان جهان از سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷ و قضاوت‌های متعدد ایشان در مسابقات کشتی ملی، قاره‌ای و جهانی، بخشی از دوران ورزشی پرافتخار استاد ایرانمنش است.

آنچه در ادامه خواهید خواند، حاصل گفت‌وگوی صمیمانه و بی‌پردهٔ مجلهٔ رشد آموزش تربیت‌بدنی با استاد اکبر ایرانمنش است که در روز دوشنبه ۲۴ تیرماه ۱۳۹۸ در شهر کرمان انجام شده است.

برای شروع بحث، لطفاً روایتی از شیوهٔ تدریس خودتان را در یک زنگ کلاس تربیت‌بدنی بیان کنید.

به‌عنوان یک معلم، مطالعه می‌کردم که در هر رشتهٔ ورزشی برای دانش‌آموزان چه اقداماتی باید انجام دهم. مثلاً در فوتبال چه فوننی باید به دانش‌آموزان بیاموزم. تنیس روی میز یا والیبال را چگونه باید تدریس کنم. البته چون خودم در دوران دانش‌آموزی به این مسائل عمل کرده بودم و در چندین رشتهٔ ورزشی به‌صورت حرفه‌ای فعالیت می‌کردم، بالطبع کار راحت‌تری داشتم، ولی اگر سررشته‌ای در برخی ورزش‌ها نداشتم تلاش می‌کردم اول خودم بیاموزم و در این مسیر مطالعه می‌کردم و برنامه‌ریزی هم داشتم. روی کاغذ برنامه‌ریزی می‌کردم که مثلاً فردا در کلاس ۱ یا ۲ چه فعالیتی باید برای دانش‌آموزان تدریس کنم و برای هفتهٔ بعد نیز در ابتدا کارهای هفتهٔ قبل را مرور می‌کردم و سپس چیز جدید به آن‌ها آموزش می‌دادم. البته در هر کلاس، قبل از دانش‌آموزان، خودم نکات درس را مرور می‌کردم، مثلاً اگر پاس پنجه در والیبال برنامهٔ درس امروز بود باید به شیوهٔ عملی در وهلهٔ اول خودم انجام می‌دادم و بهترین دانش‌آموزان هر کلاس را که خوب یاد می‌گرفتند، مأمور می‌کردم تا پاس پنجه را با بقیه تمرین کنند.

یکی از کارهای من در کلاس درس تربیت‌بدنی، گروه‌بندی دانش‌آموزان بود، به‌صورتی که برای هر گروه یک سرگروه انتخاب می‌کردم که بهتر از بقیه نکات درس را آموخته بود و سپس او مأمور بود تمامی نکات آموزشی را به

بقیهٔ اعضای گروه بیاموزد. در گذشته، برخی از معلمان تربیت‌بدنی در گوشه‌ای از زمین روی یک صندلی می‌نشستند و بچه‌ها، خودشان با یک توپ سرگرم می‌شدند. این شیوهٔ معلمی همیشه مورد انتقاد من بوده است و همیشه به دانش‌جویانم در این مورد هشدار می‌دادم. لذا فرق معلم تربیت‌بدنی با دیگران در این است که کار علمی و عملی انجام می‌دهد و روی صندلی نشستن مفهومی ندارد.

به‌عنوان فردی که بیش از چهار سال در مدارس و دانشگاه وظیفهٔ خطیر آموزش را برعهده داشتید، ویژگی‌های بارز یک دبیر تربیت‌بدنی خوب را برایمان بیان کنید.

یک معلم خوب تربیت‌بدنی در وهلهٔ اول باید از لحاظ علمی، فنی و اخلاقی، شایستگی‌های لازم را داشته باشد. اگر یک معلم در افزایش علم خود کوشا نباشد و اگر از لحاظ اخلاقی در قبال دانش‌آموزان نمونه نباشد و اگر علاقه‌مند به ارتقا و پیشرفت خودش نباشد، نمی‌تواند چیزی به دانش‌آموزان یاد بدهد. لذا یک معلم خوب باید خودش متحول شود تا بتواند دیگران را متحول کند. همیشه به دانش‌جویان تربیت‌بدنی که در شرف معلم شدن هستند توصیه کرده‌ام که برای موفقیت در دوران خدمت، باید همیشه با مسائل علمی روز آشنا باشند و اگر آشنا نباشند هیچ‌گاه موفق نخواهند شد. من در زمینه‌های مختلف ورزشی در دوران معلمی فعالیت می‌کردم و حتی در زمینهٔ کشتی وقتی قهرمانی مسابقات آموزشگاه‌های کشور را در سال ۱۳۴۷ کسب کردم، در سال ۱۳۵۰ توسط مرحوم اسفندیاری به‌عنوان متصدی انجمن کشتی دانشجویان کشور انتخاب شدم و تا سال ۱۳۸۴ که بازنشسته شدم همواره برای ارتقای این رشته تلاش کردم. فرق یک معلم خوب با یک معلم بد در این است که دبیر خوب خودش را از لحاظ علم روز آماده می‌کند، ولی معلم ضعیف با همان علم گذشته می‌خواهد بچه‌هایی را آموزش دهد که در دنیای امروز زندگی می‌کنند و از طریق تلویزیون یا محیط بیرونی با علم روز ورزش آشنا شده‌اند.

به‌طور کلی زیربنای ورزش هر کشوری را در آموزش و پرورش می‌بینم و تمام قهرمانی‌های کشورها تقریباً از آموزش و پرورش شروع می‌شود

به دیگران منتقل می‌کند. همین که در فوتبال یا در برخی از ورزش‌ها مثل کشتی، دو طرف برای پیروزی در مسابقه مبارزه می‌کنند و در انتها فرد بازنده توسط طرف پیروز از زمین بلند می‌شود یا یک فوتبالیست بعد از مصدومیت حریف، بازی را ادامه نمی‌دهد و حتی دروازه حریف را باز نمی‌کند، این‌ها چیزهایی است که درس اخلاق می‌دهد، ولی با گفتار نیست. لذا تربیت‌بدنی در قالب حرکات ورزشی از منظر جسمی و روحی خیلی چیزها را به دانش‌آموز منتقل می‌کند. یعنی در تربیت‌بدنی، آموزش مسائل اخلاقی و تربیت جسمانی توأم با یکدیگر انجام می‌شود.

نقش ورزش مدارس در ورزش کشور به‌لحاظ کلی چگونه است؟

به‌طور کلی زیربنای ورزش هر کشوری را در آموزش و پرورش می‌بینیم و تمام قهرمانی‌های کشورها تقریباً از آموزش و پرورش شروع می‌شود. کمتر قهرمانی را دیده‌ام که غیر دانش‌آموز باشد یا اگر غیر دانش‌آموز هم باشد به هر حال پایه‌ریزی مسائل ورزشی او در دوره دبستان و مدرسه شکل گرفته است. بنابراین، کسانی که از دوران دبستان، یعنی نونهالی و نوجوانی در ورزش مدارس تربیت می‌شوند، پشتوانه ورزش قهرمانی را در تمامی رشته‌ها تشکیل می‌دهند و هر رشته ورزشی اگر از ورزش مدارس منفک شود، نابودی آن حتمی خواهد بود. چندی قبل به آقای دکتر مهرزاد حمیدی درباره جدایی کشتی از ورزش مدارس هشدار دادم و در مصاحبه‌ای اعلام کردم که «وای به حال ورزش اول مملکت ایران که ورزش کشتی آن از آموزشگاه‌ها و مدارس حذف شود و اگر این اتفاق بیفتد، در ده سال آینده شاهد نابودی کشتی در این کشور خواهیم بود.» بعد از این مصاحبه، دکتر حمیدی اعلام کرد که مسابقات کشتی در مدارس برگزار می‌شود و این رشته از ورزش دانش‌آموزی حذف نخواهد شد. بنابراین، هر رشته ورزشی که از ورزش آموزشگاه‌ها و مدارس حذف شود و مسابقات قهرمانی آن رشته برگزار نشود، روز به روز ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود.

پیشنهاد شما برای پرورش استعدادها ورزشی در مدارس چیست؟

همه استعدادها یا به تعبیری ۸۰ تا ۹۰ درصد استعدادها را از مدارس و آموزش و پرورش بیرون می‌آیند و اگر آموزش و پرورش در

یک معلم ورزش برای ایجاد علاقه به ورزش در بین دانش‌آموزان، چه فعالیت‌هایی می‌تواند انجام دهد؟

اول اینکه هر قدر یک معلم ورزش صاحب نام و عنوان باشد، همین شهرت او باعث جذب دانش‌آموزان به ورزش می‌شود. معلم ورزش اگر نمونه بارز یک یا چند رشته ورزشی باشد و در سطح شهرستان، استان یا کشور دارای عنوانی باشد، باعث پیروی و الگو گرفتن دانش‌آموزان از او می‌شود. دوم اینکه معلم تربیت‌بدنی باید در حوزه ورزش دارای تحصیل و تخصص باشد و متأسفانه انتخاب برخی از دبیران غیرمتخصص برای پر کردن صفا واحد درس تربیت‌بدنی یا سرگرم کردن بچه‌ها در آن ساعت، باعث ظلم به ورزش مدارس شده است. در این زمینه ذکر خاطره‌ای از دهه ۴۰ قاضیه را روشن خواهد کرد. در یکی از مدارس تهران در اوایل دهه ۴۰، دبیر خط با مدیر مدرسه دعوا و کتک‌کاری کرده بود و او را در حوض آب مدرسه انداخته بود که بعد از دادگاهی شدن آن معلم، دبیری خط را از ایشان گرفته بودند و برای مجازات کردن او، مسئولیت درس تربیت‌بدنی مدرسه را به ایشان واگذار کرده بودند که با اعتراض من مواجه شد. لذا وقتی به این شیوه در مورد معلمان تربیت‌بدنی قضاوت شود و چنین معلمانی را برای درس تربیت‌بدنی انتخاب کنند، قاعدتاً نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت. البته الحمدلله چنین روشی در مدارس کنونی ما منسوخ شده است و اکنون معلمان تحصیل کرده با مدارک عالی و حتی دکتری در مدارس داریم. امروزه دانشکده‌های مختلفی برای تربیت معلمان ایجاد شده است و معلمان تحصیل کرده خوبی در مدارس به آموزش درس تربیت‌بدنی مشغول‌اند و حتی مسئولان هم افراد باسوادی هستند و از این جهت، وجود افرادی چون دکتر گائینی، دکتر قراخوانلو، دکتر حمیدی، دکتر علیزاده، دکتر پورکیانی، دکتر فارسی، دکتر شهلائی و امثال این عزیزان در سراسر کشور توانسته است تحولی در زمینه درس تربیت‌بدنی در مدارس ما ایجاد کند و معتقدم که اگر روحانیون با صحبت و خطابه به هدایت مردم مشغول‌اند و از طریق گفتار در رفتار مردم تغییر ایجاد می‌کنند، معلم تربیت‌بدنی نیز با اعمال، رفتار و حرکاتش آموزش‌های مفید را

اگر سلامت جامعه تضمین شود، علم ما و مهندسان ما نیز پیشرفت می‌کنند. کسی که ورزش می‌کند، نه تنها سالم است، بلکه از نظر کاری و علمی نیز پیشرفت می‌کند

تربیت بدنی از نظر بنده، پایه همهٔ دروس است و اگر کسی به تربیت بدنی به روال صحیح و با راهنمایی معلمان تربیت بدنی عمل کند و به اندازهٔ کافی و نه افراط و تفریط (یعنی مثلاً روزی یک ساعت) ورزش کند، عملکرد درسی او بهبود قابل توجهی پیدا خواهد کرد

از مدیران فکر می‌کنند که مثلاً ریاضی به نسبت از تربیت بدنی مهم‌تر است، ولی اگر یک دانش‌آموز کم‌رود، دل‌درد یا یک مشکل جسمی داشته باشد، هیچ‌گاه نمی‌تواند در کلاس درس شیمی یا فیزیک به نحو احسن گوش کند و درس را بفهمد. درس تربیت بدنی می‌تواند یک زیربنا یا یک پایه و درس کمکی برای آموزش‌های علمی مثل ریاضی، فیزیک و شیمی باشد. لذا تربیت بدنی از نظر بنده، پایه همهٔ دروس است و اگر کسی به تربیت بدنی به روال صحیح و با راهنمایی معلمان تربیت بدنی عمل کند و به اندازهٔ کافی و نه افراط و تفریط (یعنی مثلاً روزی یک ساعت) ورزش کند، عملکرد درسی او بهبود قابل توجهی پیدا خواهد کرد، چون همان‌گونه که فردی انرژی مصرف می‌کند، از طرف دیگر اکسیژن جذب می‌کند و اگر فردی اکسیژن خون کافی، تغذیهٔ مناسب و ورزش صحیح داشته باشد، می‌تواند از لحاظ درسی موفق باشد و این شرایط در فهم و یادگیری او مؤثر است. از این منظر به همهٔ مدیران مدارس توصیه می‌کنم که برای درس تربیت بدنی اهمیت قائل شوند و به‌عنوان یک درس جنبی به آن نگاه نکنند.

وضعیت کنونی ورزش دانش‌آموزی در کشور را از لحاظ امکانات، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در حال حاضر، امکانات ورزشی مدارس کم است و متأسفانه با ساخت مدارس غیرانتفاعی در یک محیط دویست یا سیصد متری که فاقد امکانات ورزشی هستند، به ورزش مدارس آسیب زده‌اند. این مدارس گاهی آموزش و پرورش را هم با این ترفند که برای ورزش بچه‌ها سالن اجاره کرده‌ایم یا در زنگ ورزش آن‌ها را به فلان باشگاه می‌بریم، گول می‌زنند که با این کار از یک طرف، هزینه را بر دوش اولیا می‌اندازند و از طرف دیگر، مدت زمان کلاس درس تربیت بدنی در طی مسیر مدرسه تا سالن ورزشی را از بین می‌برند. برخی از مدارس نیز به دلیل کمبود امکانات، ساعات درس تربیت بدنی را تعطیل می‌کنند. بنابراین، مدارس غیرانتفاعی باید دارای محیط و امکانات مناسبی برای ورزش دانش‌آموزان باشند.

زمینه‌های تربیت بدنی فعال نباشد، تمام استعدادها از بین می‌روند و شکوفا نخواهند شد. معلمان تربیت بدنی باید با عشق و علاقه و فعالیت، استعدادها را شناسایی و هدایت کنند. در مورد شخص خودم، وقتی که در دههٔ ۳۰ با وجود علاقه به فوتبال، به اجبار توسط معلم تربیت بدنی به کشتی فرستاده شدم، در همان سال اول حضور در رشتهٔ کشتی، مقام سوم آموزشگاه‌های کشور را به دست آوردم. البته وقتی به معلم تربیت بدنی مدرسه برای این اقدام اعتراض کردم، وی دلیل هدایت من به رشتهٔ کشتی را ویژگی‌های روحی و جسمی و همچنین استعدادم در رشته‌های فردی بیان کرد. بنابراین در آن زمان، یعنی در سال ۱۳۳۵ که هنوز استعدادیابی چندانی در کشور در ورزش اتفاق نمی‌افتاد، آن معلم ورزش استعداد من را کشف کرد و باعث موفقیت من در زندگی شد. لذا اگر معلمان ما بتوانند استعدادها را کشف کنند و آن‌ها را هدایت کنند، این استعدادها در مراحل بعد توسط مربیان باشگاه‌ها و مربیان تیم ملی شکوفا می‌شوند و ما در آینده در مسابقات المپیک و جهانی حرف‌های زیادی برای گفتن خواهیم داشت.

ارزیابی کلی شما از وضعیت کنونی ورزش مدارس چیست و چه توصیه و پیشنهادی در این زمینه دارید؟

به نظرم ورزش در مدارس باید از اهمیت خاصی برخوردار باشد. نباید ساعت درس تربیت بدنی در مدارس براساس وقت معلمان یا مدرسه تنظیم شود. اینکه ساعت درس تربیت بدنی در یک مدرسه به بهانهٔ تدریس مثلاً درس ریاضی تعطیل شود یا بچه‌ها فی‌البداهه بعد از نبود یکی از معلمان به ساعت درس تربیت بدنی هدایت شوند و مثلاً آبدارچی مدرسه بالای سر آن‌ها قرار گیرد، به درس تربیت بدنی مدارس آسیب‌های جدی وارد می‌شود. معتقدم تربیت بدنی بهترین و ارزشمندترین درس در مدارس است که هم به رشد جسمی، هم به رشد عقلی و هم به رشد اجتماعی دانش‌آموزان کمک می‌کند. افرادی که در رشته‌های ورزشی فعالیت می‌کنند نسبت به افرادی که ورزش نمی‌کنند، از وضعیت اجتماعی بهتری برخوردارند و خیلی اجتماعی‌تر هستند. این‌ها مسائلی است که متأسفانه برخی

فعالیت زیاد ورزشی در چند رشته ممکن است ضمن ایجاد خستگی در دانش‌آموزان، مانعی در مسیر رشد آن‌ها نیز باشد.

شما مؤسس دانشکده تربیت‌بدنی دانشگاه شهید باهنر کرمان بودید و حضور بیست‌ساله شما در مسند ریاست این دانشکده پر از تجارب گران‌بهاست. چه ارتباطی بین ورزش دانش‌آموزی و دانشجویی از منظر شما وجود دارد؟

باز هم تکرار می‌کنم که ورزش دانش‌آموزی، پایه ورزش دانشجویی، ورزش کشور و حتی ورزش قهرمانی است. به‌طور کلی پایه و اساس همه ورزش‌ها در آموزش و پرورش است و دانشگاه تنها اقدامی که می‌تواند انجام دهد، ارتقای این افراد به سطوح فنی بالاتر برای قهرمان شدن و مدال‌آوری است.

تفاوت واژه ورزش به معنای علمی در دنیا با آن چیزی که در کشور ما به‌عنوان تربیت‌بدنی مطرح است، چه می‌تواند باشد؟

تربیت‌بدنی در حقیقت به ساختن بدنی اشاره دارد که از لحاظ جسمانی سالم و آراسته باشد و این مسائلی که امروزه در خیلی از جوانان به‌عنوان آسیب جسمی وجود دارد، همگی وظایف معلم تربیت‌بدنی است که آن‌ها را ارزیابی و اصلاح کند. ورزش مدارس جایی برای آموزش مهارت‌های جسمانی به دانش‌آموزان برای عمل کردن در زندگی آینده است. من حتی وقتی که در خیابان راه می‌روم با دیدن برخی از آسیب‌ها در دانش‌آموزان یا مردم عادی، تلاش می‌کنم شیوه صحیح راه رفتن یا آسیب‌های احتمالی در حرکت و راه رفتن نامناسب را به آن‌ها گوشزد کنم و به آن‌ها بیاموزم. لذا دید و نگرش معلمان ما باید این‌گونه باشد. ورزش نیز آن چیزی است که افراد به دلیل مسائل قهرمانی انجام می‌دهند و معمولاً بعد از اصلاح شدن و آموختن مهارت‌های جسمی و حرکتی به این مرحله وارد می‌شوند.

یکی از مشکلات بچه‌ها و دانش‌آموزان در دنیای امروز کم‌حرکی و سرگرمی در فضای مجازی یا پای تلویزیون است. شما در این زمینه چه توصیه‌هایی می‌توانید به خانواده‌ها داشته باشید؟
حداقل همان‌گونه که بچه‌ها از والدین توقع خرید یک موبایل را دارند، پدر و مادرها نیز باید در برابر این قضیه از بچه‌ها بخواهند روزی یک یا دو ساعت به ورزش و فعالیت جسمی بپردازند و در حالت کلی معتقدم که فضای مجازی نیز باید کنترل شود.

ورزش دانش‌آموزی در کشورهای اسکاندیناوی بیشتر حول محور سلامتی بچه‌ها می‌چرخد. شما تا چه حد ورزش با محوریت سلامتی را برای دانش‌آموزان مهم می‌دانید؟

در ابتدا عرض کردم که اگر سلامت جامعه تضمین شود، علم ما و مهندسان ما نیز پیشرفت می‌کنند. کسی که ورزش می‌کند، نه تنها سالم است، بلکه از نظر کاری و علمی نیز پیشرفت می‌کند. وقتی که در زمان بازی‌های المپیک مونیخ در آلمان بودیم برای بازدید از شرکت BMW ساعت ۱۰ صبح به محل کارخانه رسیدیم، ولی دیدیم کارخانه تعطیل است و همه مشغول ورزش‌اند. وقتی دلیل این اقدام را پرسیدیم در پاسخ به اهمیت ورزش در تأمین سلامتی کارگران و افزایش راندمان کاری و بهره‌وری تولید اشاره کردند و گفتند این تصمیم مدیریت شرکت است و هر روز کارگران مجبورند از ساعت ۱۰ تا ۱۱ صبح به ورزش بپردازند. امروزه کشورهای پیشرفته دنیا به این نتیجه رسیده‌اند که در اثر فعالیت‌های جسمانی، فعالیت‌های کاری و اجتماعی فرد نیز افزایش می‌یابد. البته باید مانع از افراط و تفریط دانش‌آموزان در ساعات ورزش کردن شد و این وظیفه معلمان است که دانش‌آموزان را هدایت کنند و از فعالیت دانش‌آموزان در چند رشته ورزشی در طول روزهای مدرسه جلوگیری کنند، چون به درس آن‌ها لطمه می‌زند. از طرف دیگر،

در حال حاضر، امکانات ورزشی مدارس کم است و متأسفانه با ساخت مدارس غیرانتفاعی در یک محیط دویست یا سیصد متری که فاقد امکانات ورزشی هستند، به ورزش مدارس آسیب زده‌اند

آرزو دارم که همه مردم و جوان‌های ما ورزش کنند و فعالیت جسمانی داشته باشند و همه معلمان تربیت‌بدنی نیز یک مقدار بیشتر به مسائل کاری خود برسند و همان‌گونه که اگر یک دانش‌آموز چندین رشته را در یک روز انجام دهد، در نهایت دچار آسیب می‌شود، معلمان ما نیز باید از فعالیت در چند حوزه به لحاظ شغلی و کاری بپرهیزند



شما در آستانه هشتاد سالگی قرار دارید. آیا ورزش کردن در برنامه روزانه شما قرار دارد؟

هر روز بعد از نماز صبح به ورزش می‌پردازم و شنا در برنامه هفتگی من قرار دارد. به همه افراد جامعه توصیه می‌کنم که حرکت را فراموش نکنند، چراکه به قول اقبال لاهوری «ما زنده به آنیم که آرام نگیریم، موجیم که آسودگی ما عدم ماست.» ما انسان‌ها تا زمان زنده بودن باید حرکت کنیم و به فعالیت جسمانی بپردازیم.

نظر شما راجع به مجله رشد تربیت‌بدنی چیست؟

همین که این مجله چنین مسائلی را برای معلمان مطرح می‌کند و در به‌روز کردن دانش معلمان ما مؤثر است، فرصتی بی‌نظیر برای ارائه مطالب علمی به معلمان فراهم می‌کند. از متولیان مجله رشد بابت وقتی که به پیش‌کسوتان برای ارائه مطالب خودشان می‌دهند، سپاس‌گزارم و امیدوارم صحبت‌های ما برای جامعه مفید باشد.

به‌عنوان نکته پایانی چه مطلبی برای خوانندگان ما دارید؟

آرزو دارم که همه مردم و جوان‌های ما ورزش کنند و فعالیت جسمانی داشته باشند و همه معلمان تربیت‌بدنی نیز یک مقدار بیشتر به مسائل کاری خود برسند و همان‌گونه که اگر یک دانش‌آموز چندین رشته را در یک روز انجام دهد، در نهایت دچار آسیب می‌شود، معلمان ما نیز باید از فعالیت در چند حوزه به لحاظ شغلی و کاری بپرهیزند. البته وظیفه دولت است که به وضعیت معیشت معلمان رسیدگی کند، به همین دلیل در دوران ریاستم در دانشکده تربیت‌بدنی دانشگاه شهید باهنر کرمان با همکارانم قرار گذاشتم که آن‌ها در هیچ جایی به جز دانشکده فعالیت نداشته باشند. متأسفانه فعالیت بیش از حد معلمان در چندین مدرسه باعث شده است که وقتی برای مطالعه و انتقال مطالب تازه و به‌روز به دانش‌آموزان نداشته باشند.